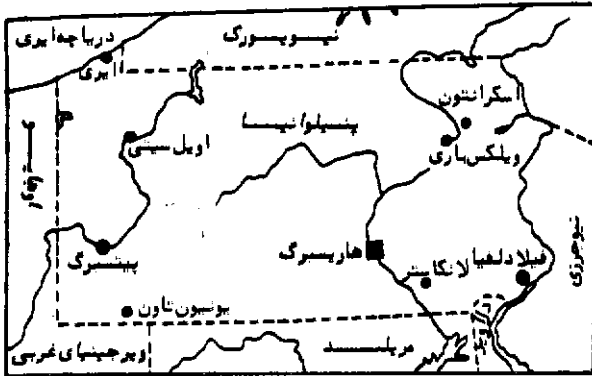


# گزارشی کوتاه از وضع عمومی و مسئله تعلیم و تربیت مردم امیش



تألیف: سیاوش مگری

## مقدمه

این مقاله نتیجه بررسی و دیدار کوتاهی از مردم (امیش) است که در منطقه لانکاستر در ایالت پنسیلوانیای آمریکا صورت گرفته است. زندگی این قوم شاید برای عده زیادی به صورت عجیب و اسرارآمیز و ناشناخته باقی مانده باشد. نگارنده این سطور که بیش از سه سال در آمریکا بسر برده، ضمن تحصیل توأم با کار پر مشقت که از ویژگیهای نظام سرمایه داری غرب است با همه گرفتاریها گذری و نظری هم در اوضاع و احوال مردمان داشته و مناطق مختلفی را از نزدیک مشاهده و به تنبیه یادداشت‌های کوتاهی مبادرت ورزیده است، این گزارش کوتاه در واقع حاصل این مشاهدات و بررسی‌هاست. نکته‌ای را که باید یادآور شد این است که این نوشته مختصر را نباید به عنوان تک نگاری (منوگرافی)، یا کار تحقیقی آنطور که در عرف علوم اجتماعی متداول است تلقی نمود بلکه احتمالاً "سرنخی جهت دانشجویان سخت‌کوش و تلاش‌گری که در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مشغول مطالعه‌اند، ارائه شده است. امید است این مختصر مورد توجه آن عزیزان قرار گرفته و تحقیقات و بررسی‌های دقیق و مطالعات کامل‌تری ارائه دهند. ضمناً جهت تدوین این گزارش کوتاه، علاوه بر مشاهده مستقیم و معینی برای صحت موضوع و مطابقت با گفته‌ها به جزوه کوچکی به نام *the Amish flock* همچنین اشخاصی که در خانه و مزرعه امیش سمت راهنمایی را داشتند استفاده شده است.

مسلطه: خانه و مسکن: خانه صرفاً از محل آسایش، جایگاهی است که تمام زندگی "امیش" را می‌گرداند. کودکان در خانه متولد می‌شوند. در خانه تعلیم می‌بینند و زبان خود را یعنی "هلندی پنسیلوانیایی" را در خانه تمرین می‌کنند. احکام و خدمات مذهبی را در خانه حفظ و حراست می‌نمایند. ازدواج و عروسی، حتی مراسم تشییع جنازه در خانه ترتیب داده می‌شود. خانه‌ها معمولاً از چوب و مواد نسوز ساخته می‌شود. اکثر رنگها، خاکستری، سفید یا آبی است. پنجره‌ها کوچک به شکل ارسی و معمولاً سفید رنگ با ۱۲ ردیف شیشه کوچک، محور اصلی زندگی "امیش" خانه و خانواده است. از این نظر قداست و اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به همین جهت خانه‌ها اغلب از قسمت‌های متعدد ساخته شده زیرا چندین نسل را در بر می‌گیرد. باید توجه داشت در این منازل به علت عدم پذیرش تکنولوژی جدید و تحریم آن منازل فاقد برق و تلفن و وسائل دیگری مانند گاز، سیستم لوله‌کشی جدید آب و فاضلاب است. به علت امتناع از مصرف برق

مردم این منطقه که در آمریکا بسر می‌برند. ارتباط خود را با ماشین و وسائل برقی و رادیو و تلویزیون و حتی تلفن قطع کرده‌اند در اینجا هیچ آتش رادیو و تلویزیونی را بر روی پشت باسها نمی‌بینید. تعلیم و تربیت فقط به ۸ سال خلاصه می‌شود. امروزه مردمی که در مجاورت لانکاستر واقع در ایالت پنسیلوانیا که در شمال غربی آمریکا قرار گرفته، به نام "امیش" معروف شده‌اند. ظاهراً سکونت آنان قبل از سال ۱۷۰۰ میلادی صورت گرفته است. به علت اعتقادات و فرهنگ و مذهب خاصی که دارند در آمریکا به حال انزوا بسر می‌برند. در قرن هفدهم ساختمان و بافت اجتماعی آنها به صورت نیمه رهبانی بود. اما امروز به صورت رهبانی تمام عیار مبدل شده‌اند. یگانه هدفشان در زندگی بنا بر شعار خودشان مسئله انسانیت و تقدس است. به همین جهت پیشوایان مذهبی‌شان ایمان به کتاب مقدس را سرلوحه اصلی زندگی خود قرار داده‌اند و توصیه می‌کنند که اهل ایمان و معتقدان نباید هیچ رابطه‌ای با کافران و افراد غیرمؤمن داشته باشند.

و رادیو و تلویزیون بالطبع آنتن و وسیله گیرنده‌ای را در پشت بام منازل هیچ نمی‌توان مشاهده کرد.

وسيله سوخت در زمستان مهابرت است از زغال يا بخاري هيزمي و چوبي است که در اتاقهاي نشيمن يا اصلي نعبه شده و نور و روشنائي مهابرت است از چراغهاي نفتي و روغني که به صورت شني هنوز بکار برده مي‌شود.

**شکله آپرسانتي**؛ وسيله انتقال آب با استفاده از آسيابهاي بادي و يا چرخ چاه صورت مي‌گيرد. بجاي لوله کشي از وسيله ساده‌اي استفاده مي‌کنند، به اين طريق که در سير جويبار پره‌هاي آسيابي را قرار داده کابلي را به پره چرخ متصل نموده، پره‌ها هنگام چرخيدن کابل را بدور خود مي‌چرخاند کابل به دسته نلمبه‌اي وصل است که با اين حرکت آب را بدون استفاده از نيروي برق يا موتور از چاه بالا مي‌کشد.

بخشي ديگر از خانه اختصاص به طويله و انبار است. طويله و انبار غله مهابرتست از محل نسبتاً وسيعي است که به منظور نگهداري گاو و گوسانه و اسب مورد استفاده قرار مي‌گيرد. مضافاً به اينکه نگهداري مرغ و جوجه نيز متداول است. انبار جاي ذخيره و نگاهداري توتون و ذرت و ساير فلات مي‌باشد. در همين انبارها به علت وسعت کافي مراسم عروسي و عزاداري صورت مي‌گيرد. و اين بستگي دارد به اينکه به چه مقدار فضا و جا مورد نياز است.

آميش بندرت منزل و خانه مسکوني خود را مي‌فروشد، خانه از پدر به پسر و همينطور به نوادگان منتقل مي‌شود و نسل‌هاي بعدي را دربر مي‌گيرد.

**اقتصاد آميش**؛ اساسي‌ترين کار آميش در مزرعه صورت مي‌گيرد، برطبق سفر پيدايش کتاب مقدس خداوند و پيامبر به مرد سفارش کرده که زمين را به انگاي مرق جبين و کد بچين کشت نمايد. اين اعتقادي است که آميش به آن تکيه مي‌کند، به همين جهت است که "آميش" به خاک و زمين بيش از همه چيز عشق و علاقه دارد، او هم خود را مشتاقانه صرف عمران مزرعه و کشاورزي مي‌کند. وسيله شخم خيلى ساده و ابتدائي است، خيش را که بجاي گاو به گردن اسب مي‌بندند و به اين وسيله زمين را شخم مي‌کند. کار مزرعه به صورت همياري و تعاون و تشريک مساعي عموم خانواده‌ام از کودک و افراد ميان سال تا کهنسال صورت مي‌گيرد. بنا بر اين یک اعتقاد رايج که آميش به آن تکيه مي‌کند اين است که: "زمين شگفت‌انگيز و اصحاب آور است و شايد بزرگترين هديه خداوند به بشر زمين باشد، زمين است که هر احتياجي را که بشر به آن دارد به او مي‌دهد، زمين هرگز به کسی خيانت نمي‌کند و هرگز کسی را افسرده و پريشان نمي‌سازد، هر چه بيشتر روي آن زندگي کنيد بيشتر به آن عشق مي‌ورزيد."

وسايل حمل و نقل بيشتر از اسب و قاطر استفاده مي‌شود پکي از

منايع قدرت که مورد قبول آميش است بکارگيري نيروي بخار است. استفاده از تراکتورهاي قديم با نيروي بخسار حرکت مي‌کند و اساسي‌ترين تجهيزات در مزارع است. بکرات جهاگرداني که از اين مناطق بازديد مي‌کنند اين نوع تراکتورها را در حالیکه گاري چهارچرخي که در حال حمل توتون است با محصولات ديگر مشاهده خواهند کرد.

نوع ديگر از وسايل حمل و نقل که مي‌توان آنرا متداول‌ترين وسيله ناميد استفاده از نوعي درشکه‌است به نام "باگي" هر روز در هنگام غروب آفتاب اين وسيله نقليه ساده و درميين حال تشنگ بر روي جاده‌ها در حرکت مي‌باشد، بيشتر پسران و دختران جوان و آراسته که اغلب دوران نامزدي را مي‌گذرانند در اين درشکه‌ها سوار و به آرامي حرکت مي‌کنند. نوع روباو اين درشکه‌ها بيشتر مورد توجه و علاقه جوانان است. اين وسيله نقليه مورد استفاده خانوارها هم هست. اکثر کارشناسان کشاورزي مدعي هستند که "آميش" از مکانيزه کردن و استفاده از ماشين که باعث ازدياد بيشتر محصول است گراحت دارد. شخم زدن با خيش و بکارگيري اسب و قاطر را به ماشين به دليل زير ترجيح مي‌دهند.

اولاً؛ مزارع در فصل بهار که زمين گل‌آلود است بيشتر مي‌توانند از اسب و قاطر و بستن به گاواهن زمين را شخم نمود.

ثانياً؛ چهارپايان سبک‌تر از تراکتور بوده و سنگهاي آهکي زيرزمين کمتر تخریب شده و صدمه مي‌بينند.

ثالثاً؛ در نتيجه هدم استفاده از مواد نفتي از آلودگي هوا و محيط‌زيبست جلوگیری مي‌شود.

**تعليم و تربيت**؛ از سال ۱۸۳۶ يعني دو سال بعد از اينکه قانون مدارس عمومي در پنسيلوانيا وضع شود، همه مدارس بوسيله گروههاي کليسا بطور خصوصي اداره مي‌شد.

اکثر مدارس عمومي است، اما تعداد قلبي مدارس خصوصي هست که زير نظر کليسا اداره مي‌شود.

ظرفيت تکميلي یک مدرسه بطور عادي در حدود ۳۵ نفر دانش‌آموز و یک معلم است. شروع کلاسهاي درس در حدود ساعت ۸ صبح است. در طول ماههاي سرد والدين دانش‌آموزان يا احيانا خود معلم صبح خيلى زود بيدار مي‌شود و هيزم يا زغال را که قبلاً فراهم شده در بخاري گذاشته و آنرا روشن مي‌کند.

اغلب اتفاق مي‌افتد که بجاي معلم دانش‌آموزان صبح زود بيدار شده و تمام کارهاي روزمره را قبل از شروع مدرسه و کلاسها ترتيب مي‌دهند. ميانگين هر کلاس در حدود ۸ رديف ميز و نيمکت است، که هر رديف براي یک کلاسي کافي است. بعضي مدارس فقط ۵ کلاس دارد. سمت چپ کلاسها معمولاً به دانش‌آموزان خردسال اختصاص دارد.

در اولين ساعت صبح معلم به نطافت دانش‌آموزان رسيدگي مي‌کند. کلاسهاي اول که تقريباً انگليسي بلد نيستند و زبانشان

که قبلاً" به آن اشاره شد " هلندی پسیلوانیایی " است . معلم در اینحال با پستی با حرکتی متنوع طریقه مسواک زدن ، شستن پشت گوشها و شانه کردن و نظیر آن را به دانشآموزان یاد میدهد . سپس معلم هر کلاس را بطور جداگانه مورد خطاب قرار داده ، در حالیکه کلاسهای دیگر کاملاً " ساکت و مشغول مطالعه و یا انجام تکالیف خود هستند . هر دانشآموز جهت پس دادن درس معمولاً " در برابر میز معلم قرار گرفته و به سئوالات او پاسخ می‌دهند . خواندن و پس دادن درس بطور نشسته در روی نیمکت‌های دراز صورت می‌گیرد .

سئوالات شفاهی به صورت ایستاده پاسخ داده می‌شود . دروس ریاضی و دیکته را بر روی تخته سیاه ، و خطاطی و خوش‌نویسی در روی میز انجام می‌دهند . در موقع پاسخ دادن درس دانشآموزان دیگر حق ندارند کلام معلم یا شاگردی را قطع کنند ، فقط با بلند کردن دست مجازند اشکالات خود را رفع نمایند . در این کلاسها معلم معمولاً " از شاگردان کلاسهای بالاتر به منظور کمک کردن به کلاسهای پایین‌تر استفاده می‌نماید در واقع این شیوه هم مدد رساندن به معلم امکان‌پذیر است و هم دانشآموز احساس مسئولیت نموده و از طرفی نیز یاد می‌گیرد که چگونه به همکلاسی‌ها و همسایگانش کمک کند . به محض اینکه یک کلاس ، درش را پس داد معلم درس و تکالیف روز بعد را به او می‌دهد . در این وقت او به مطالعه دروس جدید پرداخته ، در حالیکه کلاسهای دیگر آماده پاسخگویی به درسهای خود می‌شوند .

هر روز هفته اختصاصاً به تدریس یک درس دارد مثلاً " دوشنبه‌ها تدریس ریاضیات ، سه‌شنبه‌ها دیکته ، چهارشنبه تاریخ و ..... این شیوه‌ای است که یک معلم ظرف بیست سال در یک مدرسه مشغول تدریس بوده است .

بعد از پس دادن درس به دوره چهار کلاسه به مدت نیم ساعت استراحت داده می‌شود . اکثر معلمین در کنار در ورودی کلاس دو عدد میخ چوبی ( شبیه چوب لباس ) را به دیوار نصب نموده و هر کدام یک حلقه کوچک چوبی روی آن قرار گرفته ، از این دو حلقه یکی به پسران و دیگری به دختران اختصاص دارد ، در موقع ترک کلاس حلقه را از روی میخ چوبی برداشته و با خود بیرون می‌برند و در موقع بازگشت آنرا دوباره سر جای خود قرار می‌دهند هر دفعه یک پسر و یک دختر مجاز هستند از کلاس خارج شوند . در ساعت ۱۲ مدرسه جهت صرف ناهار تعطیل می‌شود . مدت صرف ناهار طولانی است ، بعضی اوقات بیش از پنج دقیقه صرف ناهار نمی‌شود ، مدت استراحت و بازی بعد از ظهر در حدود یک ساعت است . در این فرصت بعضی از معلمین به مدت یک ساعت دانشآموزان را وادار می‌کنند که درستان را مرور کنند ، در این مدت حتی احترامی هم از آنان شنیده نمی‌شود . معلمین از احترام خاصی برخوردارند ، والدین اغلب معلمین فرزندانشان را برابر پزشک خانواده به حساب

می‌آورند ، به مناسبت‌های مختلف اغلب آنها را به منزلشان دعوت نموده و هدایایی تقدیمشان می‌کنند . در بعضیها این هلاکات توأم با احترام و قداست خاصی دیده می‌شود . اغلب هدایا توأم با تفریح و خوشحالی می‌باشد ، به کرات دیده شده خصوصاً " در ایام کریسمس دانشآموزان صبح خیلی زود به مدرسه آمده و هدایای آنها که عبارت بود از اردک ، غاز ، پوفلمون در فلسه‌های مدرسه یا احتمالاً " در کشور میز پنهان نموده مولف می‌گفت که نظم وارد می‌شد همه آنها را رها می‌کنند ، سرودهای ناگهانی اردک و غازها اغلب باعث بکه خوردن معلم می‌شود ، بچه‌ها آنرا بگونه تفریح و سرگرمی تلف می‌کنند ، معلمی تعریف می‌کرد " روزی یکی از دانشآموزان را دیده که جیب‌هایش برآمده بود ، لباسهای قدری کثیف و خاک‌آلود بود از او می‌پرسد چه چیزی را در جیب‌هایش پنهان نموده ، او با چشمانی اشک‌آلود و حالتی تضرع‌آمیز تقاضای عفو و بخشش می‌نماید سپس دستش را در جیب‌هایش برده و قطعات گوشت تازه را بیرون می‌کشد سپس با حجب خاصی اظهار داشته که هدیه کوچکی است که از طرف والدینش به مناسبت تولد معلمش به او تقدیم داشته است .

بعد از ظهرها معمولاً " به فعالیتهای گروهی از قبیل نقاشی ، خواندن سرود ، نقل داستان و نظیر آن اختصاص دارد . اگر هوا مساعد باشد یکی از دانشآموزان ارشد (معمولاً " از کلاسهای بالاتر ) کلاسهای اولها را به محوطه خارج از کلاس که معمولاً " در هوای آزاد است برده و روی چمن‌ها نشاند و دانشآموزان را در خواندن دروس یاری می‌کند .

اکثر بچه‌های " امیش " در نقاشی حیوانات ، مزرعه تبحر و مهارت خاصی از خود نشان می‌دهند . در بیشتر اوقات داستانهای که در ارتباط با شکار و ماهیگیری است از زبان پسران نقل می‌شود . همانطور که داستانهای که مربوط به اسب و گاو و گربه بوسیله دختران تعریف می‌شود .

در مجموع کودکان " امیش " اوقاتی را که در مدرسه صرف می‌کنند برایشان لذت‌بخش است شاید به آن علت که از رحمت سنگینی که در مزرعه به عهد آنهاست خلاصی یافته و مدرسه استراحت روزانه آنها را بهتر تا مین می‌کند . صبحتر آنکه در مدرسه از آزادی عمل بیشتری برخوردارند ، نتیجتاً " هر انضباط و دیسیپلینی که معلم تحمیل کند باز هم در مقایسه با خانه خیلی ملایمتر است . به همین جهت است که کودکان " امیش " علاقه و تمایل خود را به مدرسه بوسیله تلاش بی‌گیر و دقت کافی و توجه زیاد به معلم نشان می‌دهند ، آنچه شگفت‌آور است این است که هرگز کودکان را نمی‌چیند که در پیشرفت درس از خود گاهلی‌وستی نشان دهند .